

آشتی ارمنستان-ترکیه و بازی‌های جدید منطقه‌ای

سرویس ترکیه/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس ترکیه :

ویسنده : ماکان عیدی پور

در خصوص رابطه ترکیه و ارمنستان و افق نسبتا روشنی در این مسئله به چشم می‌شود. در ابتدا باید به این نکته توجه کنیم که تمام این تغییرها در سیاست خارجی ترکیه در قالب آن چرخش کلی و تغییر استراتژیک کلی ترکیه در نگاه این کشور به همسایه‌هایش است که در واقع این کشور نگاه به شرق را آغاز کرده‌است. در خصوص رابطه ترکیه و ارمنستان افق نسبتا روشنی در این مسئله به چشم می‌شود. در ابتدا باید به این نکته توجه کنیم که تمام این تغییرها در سیاست خارجی آنکارا در قالب آن چرخش کلی و تغییر استراتژیک کلی ترکیه در نگاه این کشور به همسایه‌هایش است که در واقع این کشور نگاه به شرق را آغاز کرده‌است. ترکیه فعلی ترکیه‌ای است که به این نتیجه رسیده که هدف گذاری‌های سابق دولت برای امروز پاسخگوی نیازهای استراتژیک آنها نیست و آنها باید نگاه جدیدی داشته باشند. در قالب این نگاه برخی از سنت‌های سیاست‌های خارجی ترکیه هم ممکن است شکسته شود. یکی از این سنت‌ها بدبینی و در واقع نگاه همراه با تردیدی بود که به اتحاد روسیه و ایران در آسیای میانه و قفقاز تا به امروز داشت. ترکیه می‌خواهد به ایران نزدیک‌تر باشد همانطور که تمایل زیادی هم به این مسئله در بالاتر رفتن سطح معادلات تجاری و روابط در حوزه انرژی نشان می‌دهند. پیش بینی می‌شود که بحران‌های در زمینه انرژی در دنیا به‌وجود بیاید که آنها سعی می‌کنند جایگزینی برای این مسئله پیدا کنند بنابراین نزدیکی به ایران به نفعشان خواهد بود. موضوع ارمنستان و درگیری قره‌باغ و مناقشه‌های بین‌المللی اقتصادی در سطح جهان و در سطح منطقه‌ای با توجه به نگرانی‌ها و تردیدهایی که وجود دارد، مسئله قره باغ در تحت شعاع قرار دهند و کمتر به آن بپردازند چرا که منافع بزرگتری در این منطقه دارند. ایران و روسیه هر دو از چرخش ترکیه در سیاست خارجی استقبال کرده‌اند، بنابراین قطعاً گسترش منافع ترکیه در قفقاز و آسیای میانه فعلا با مخالفتی از سوی این دو قدرت منطقه‌ای روبرو نخواهد شد و از ترکیه استقبال می‌شود که منافعی را هماهنگ با ایران و روسیه در منطقه دنبال کند. همچنین از ترکیه استقبال می‌شود که در مناقشه قره‌باغ نقشی را که همیشه برای فشار به ارمنه داشته ادامه دهد. در واقع ترکیه همواره از این به عنوان اهرمی در مقابل ارمنه استفاده می‌کند. هر کجا که لابی‌های ارمنه در غرب موضوع کشتار ارمنه یا مسائل فرهنگی دیگر را بالا می‌آورند و روی آن تاکید می‌کردند، ترک‌ها با استفاده از مناقشه قره‌باغ به نوعی به ارمنستان فشار می‌آورند. مشکل قره‌باغ در واقع یک مشکل ژئوپلیتیک است. امروز آذربایجان هم با توجه به اینکه دولت‌ش از ثبات لازم برخوردار نیست احتیاج به حمایت همسایه‌هایش دارد و به همکاری نزدیک‌تر ایران و روسیه متمایل است. در عین حال نقش آمریکا به عنوان یک متحد قابل اطمینان در منطقه کمی کمرنگ شده‌است. این از آن جهت نیست که آمریکا ضعیف‌تر است بلکه آمریکا گرفتارتر از گذشته هم است. از طرف دیگر بحث اسرائیل و جنگ در غزه سبب شد که مقداری جانبداری از بلوک غرب – اگر بتوانیم دوباره از ادبیات جنگ سرد این اصطلاح را قرض بگیریم- و همداستانی با اینها در منطقه مشکل‌سازتر شده‌است. اسرائیل در واقع مشروعیت این بلوک را زیر سؤال برده و ترکیه هم به دلیل ساختار جمعیتی و منافع ملی خود پذیرفته که حداقل بی‌طرفی و حداقل هم گروه و همراه با کشورهای منطقه و همسایه‌هایش باشد. این مسائل رابطه با ارمنستان را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. البته ارمنستان از لحاظ اقتصادی اهمیت خاصی برای هیچکدام از کشورهای اطراف ندارد. ارمنستان بازار بسیار کوچکی است که از تولیدات کشورهای مختلفی مانند ایران و روسیه و به طور غیرقانونی کشورهای دیگر مانند ترکیه و چین بهره می‌گیرد. صنعت خاصی ندارد و جمعیت کمی دارد و بودجه واردات آن از طرف دولت محدود است. بنابراین بحث اقتصادی در رابطه بین ارمنستان و ترکیه برای ترکیه از اهمیت چندانی برخوردار نیست و بیشتر یک بحث سمبلیک است. البته ترکیه نشان داده‌است که این چرخش واقعی در سیاست خارجی است و به دنبال این بوده که مسائل خردش را در سیاست خارجی کم کند و طرح‌های کلان خود را پیش ببرد. به نظر من ترکیه یکی از اولین کشورهایی بود که با هشیاری به بحران اقتصادی پاسخ داد و بسیار از کشورهای منطقه منتظر ماندند تا ببینند بحران اقتصادی به کدام سو می‌رود. اما از آنجا که ترکیه از منابع طبیعی زیادی برخوردار نیست و درآمدش بسیار وابسته به اقتصاد بین‌المللی است، با یک هشیاری و واکنش سریع نسبت به این مسئله منحصر به فرد برخورد کرد. بنابراین فکر می‌کنم اگر بحران به همین صورت ادامه پیدا کند، ترکیه سنت شکنی‌های دیگری خواهد کرد و نزدیک شدن به ارمنستان و دوری بیشتر با آمریکا و اسرائیل هم جای تعجب زیادی نخواهد داشت. از طرفی آذربایجان نسبت به رابطه ارمنستان و ترکیه عکس‌العمل نشان داده‌است چراکه سال‌هاست با ارمنستان مشکل دارند و با آن جمعیت کم و مقدار نفت زیادی که دارد، قطعاً تحت فشار کمتری نسبت به ترکیه است، بنابراین همچنان به بحث‌هایش نگاه ایدئولوژیک و احساسی خود را خواهد داشت. اینکه چرخش بزرگتری انجام بگیرد یا بحث شیعه و سنی مطرح شود، نخواهد بود. مادامی که ایران و ترکیه روابط حداقلی دوستانه و بر اساس تفاهم متقابل داشته باشند، آذربایجان نمی‌تواند جبهه سختی نسبت به ایران و ترکیه اتخاذ کند. از نظر امنیت منطقه‌ای همه کشورها به دنبال این هستند که با یکی از ائتلاف‌های موجود در منطقه خودشان روابط خوبی داشته باشند، بنابراین ترکیه، روسیه و ایران اگر به یکدیگر نزدیک‌تر شوند، کنار گذاشتن آنها برای آذربایجان سخت‌تر خواهد بود. ضمن اینکه مسئله قره‌باغ می‌تواند به نوعی از طریق دیپلماتیک به حالت انجماد درآید و کنار گذاشته شود. از این رو آذری‌ها در ابتدا این حرکات را نشان می‌دهند و اگر به اندازه کافی منافع برای ترکیه وجود داشته باشد، آن زمان این تصمیم ژئواستراتژیک آذربایجان خواهد بود که می‌خواهد روابطش را ادامه دهد یا نه؟ من فکر می‌کنم که روابط خود را ادامه خواهد داد چراکه به هر صورت مشترکات زیادی از لحاظ زبانی و مذهبی وجود دارد و حضور قدرتمند ترک‌ها در آسیای میانه و در مسیر خط لوله‌های نفت و گازی که قرار است در آنجا احداث شود بسیار مشهود است، لذا اشتراکات خیلی بیشتر از نقاط اختلاف است. بنابراین نمی‌توان بر روی واکنش‌های آذربایجان در حال حاضر حساب کرد. باید منتظر ماند و دید که راه‌های حل‌شده‌هایی که برای منطقه قره‌باغ پیشنهاد می‌شود و نقشی که آنها می‌خواهند بازی کنند، چیست. به نوعی هر دو کشور از این موضوع خسته شده‌اند و درگیری دراز مدتی بوده‌است که به جنگی با واسطه بین غرب و آذربایجان و روسیه و ارمنستان تبدیل شده‌است.

